



## داستان خوابی که در آن امیرالمؤمنین(ع) شیخ عباس قمی را در آغوش می‌گیرد

حجت الاسلام محدث زاده نوه آقا شیخ عباس قمی گفت: ایشان در روزهای آخر عمرشان روبه روی گنبد امام علی(ع) می‌ایستادند و دائم به ایشان التماس می‌کردند که در این لحظات امیرالمؤمنین (ع) تنهایش نگذارند.

حجت الاسلام محدث زاده نوه آقا شیخ عباس قمی گفت: ایشان در روزهای آخر عمرشان روبه روی گنبد امام علی(ع) می‌ایستادند و دائم به ایشان التماس می‌کردند که در این لحظات امیرالمؤمنین (ع) تنهایش نگذارند. به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین محدث زاده، نوه آقا شیخ عباس قمی در برنامه ضیافت شبکه قرآن و معارف سیما اظهار داشت: این سعادت بزرگی برای ایشان است که در ایام عزاداری امیرالمؤمنین(ع) درباره شان صحبت می‌کنیم، زیرا آقا شیخ عباس قمی علاقه و ارادت خاصی به امیرالمؤمنین(ع) و حضرت زهرا(س) داشتند.

وی ادامه داد: پدرم حاج میرزا محسن محدث زاده نقل می‌کردند که مرحوم پدرشان وقتی به حرم امیرالمؤمنین(ع) مشرف می‌شدند بالای سر ایشان نمی‌رفتند یکی به دلیل وجود نازنین خود امیرالمؤمنین(ع) و دیگری به این دلیل که معتقد بودند که سر آقا امام حسین(ع) بالای سر امام علی(ع) دفن است.

وی بیان داشت: یک بار پدرم نقل می‌کردند و خودم نیز از علمای بزرگ شنیدم که یکی از دوستان و آشنایان آقا شیخ عباس قمی روز تشییع جنازه ایشان مطلع نشده بود که ایشان فوت کرده‌اند و تشییع جنازه‌شان است این فرد در عالم خواب می‌بیند که آشیخ از دنیا رفته‌اند و جنازه ایشان را در ایوان امیرالمؤمنین(ع) گذاشته‌اند.

نوه آقا شیخ عباس قمی اضافه کرد: آن موقع مرسوم بود که اول اذن دخول می‌خواندند و بعد امین‌الله، آن فرد می‌بیند که در خواب نیز همین کار را می‌کنند اما وقتی اذن دخول می‌خوانند جنازه آقا شیخ بلند می‌شود و می‌رود آستانه مقدس را می‌بوسد و دوباره بازمی‌گردد، و بعد در همان عالم رؤیا می‌بیند که امیرالمؤمنین(ع) بالای ضریح قرار دارند و آقا شیخ را در آغوش می‌گیرند. نوه آقا شیخ عباس قمی اظهار داشت: آقا شیخ روزهای قبل از فوتشان به اتاقی می‌رفتند که پنجره‌اش به سوی گنبد امیرالمؤمنین(ع) باز می‌شد ایشان مدام امام علی(ع) را صدا می‌زدند و می‌گفتند یا امیرالمؤمنین در این لحظات آخر تنه‌ایم نگذار، شب قبل از فوتشان نیز نماز مغرب و عشا را می‌خوانند و مرتب اسم حضرات معصومین(ع) را می‌بردند و به نام امام علی(ع) که می‌رسیدند عرض ارادت خاصی می‌کردند.

وی تأکید کرد: یکی از مهم ترین امتیازاتی که ایشان داشت و باعث شد تا به این درجه معنوی برسد بحث اخلاص ایشان بود یک بار ایشان در مشهد که بوده‌اند نماز ظهر را که در مسجد گوهرشاد می‌خوانند جمعیت زیادی پشت سر ایشان جمع می‌شود به طوری که جمعیت تا حیات نیز می‌رسد نماز ظهرشان که تمام می‌شود به اطرافیان می‌گویند که من نمی‌توانم نماز عصر را بخوانم و می‌روند.

حجت الاسلام محدث زاده اظهار داشت: فردای آن روز نیز آقا شیخ عباس برای نماز نمی‌آیند روز بعد نیز همچنین دوستان نگران می‌شوند و به در منزل ایشان می‌روند و علت را می‌پرسند ایشان می‌گویند آن روز موقع رکوع صدایی شنیدم که گفت ان الله مع الصابرين و انگار لحظه ای چیزی در دلم خور کرد، در حقیقت به گفته یکی از بزرگان آقا شیخ برای لحظه‌ای در دلش هوای نفس را احساس کرده و دریافته که باید آن را اصلاح کند برای همین حتی نمانده که نماز عصر را نیز بخواند و این چیزی نیست جز اخلاص در عمل.

وی تصریح کرد: در رابطه با کتاب مفاتیح الجنان نیز به ایشان پیشنهاد داده بودند که کتاب دعایی بنویسد اما آقا شیخ قبول نمی‌کند، اما خودش بیان کرده‌اند که یک روز به ذهنم رسید که کتاب دعایی بنویسم و ثوابش را به حضرت زهرا(س) هدیه کنم و بعد از آن نیز همیشه اعتقاد داشتند که اگر این کتاب تا این حد مورد توجه مردم قرار گرفته است به خاطر این بوده که ثوابش برای حضرت زهرا(س) است.

نوه آقا شیخ عباس قمی اظهار داشت: کتاب دیگری که ایشان تألیف کرده‌اند درباره کتاب بحار است. ایشان برای رفتن در دریای بیکران بحار احساس کردند که نیاز به یک کشتی است لذا کتاب سفینه البحار را نوشتند نقل شده که از آقای خویی می‌پرسند اگر به شما بگویند تنها اجازه دارید از کتاب‌های کتابخانه‌تان یک کتاب را انتخاب کنید کدام را انتخاب می‌کنید و آقای خویی در پاسخ می‌گویند سفینه البحار را.

وی در پایان سخنانش به ارادت خاصی که آقا شیخ عباس قمی به امام رضا(ع) داشتند اشاره کرد و گفت: وقتی که آشیخ عباس قمی در قم رنج و غم برایشان زیاد می‌شود قصد سفری کوتاه به مشهد را می‌کنند اما وقتی به مشهد می‌روند آن چنان عنایاتی به ایشان می‌شود که همان‌جا می‌مانند و پس از آن همان‌جا ازدواج می‌کنند و تشکیل زندگی می‌دهند.